

محرمیت در معماری سنتی ایران

مهندس محمد کاظم سیفیان*، مهندس محمدرضا محمودی*

تاریخ دریافت مقاله: ۸۵/۰۳/۰۶

تاریخ پذیرش نهایی: ۸۶/۰۴/۲۰

چکیده:

نقش غنی و زیبای جامعه سنتی، نتیجه غنا و زیبایی تار و پود معنوی آن است که طرحها و نقشهای کلی را به هم پیوند می دهد. اصول معنوی حاکم بر معماری سنتی ایران، ریشه های عمیقی در فرهنگ و اندیشه های این مرز و بوم داراست. اصل محرمیت به عنوان یک اصل حاکم بر تمامی شئون زندگی، به زیبایی در معماری سنتی ایران کالبد یافته و آثار و نتایج عمیقی در سازماندهی فضایی و نحوه قرار گیری عملکردهای گوناگون داشته است. برخورد و آمیزش عنصر ایرانی با جریانهای فرهنگ و هنر و اندیشه اسلامی، سیمای تازه ای به هنر ایرانی بخشید. معماری ایران پس از اسلام از طراحی، ظرافت و دقت نظر بی نظیری برخوردار شد و در این میان اصول جهان بینی اسلامی تأثیرات غیرقابل کتمانی در هویت و شکل دهی به آن از خود برجای گذاشت.

این مقاله پی جوی آن است تا تا با ارائه تعریفی از محرمیت، عوامل مؤثر بر آن، ریشه های شکل گیری آن و تأثیر گذاری آن را در سازمان فضایی-کالبدی معماری سنتی ایران باز شناساند.

کلید واژه ها: محرمیت، درونگرایی، سلسله مراتب، معماری سنتی

* استادیار گروه معماری دانشکده هنر و معماری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی تهران

* دانشجوی دکتری تخصصی معماری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی تهران

مقدمه

هنر در ایران زمین به قدمت تاریخ است و معماری از بهترین هنرهای ایرانی است. براساس آنچه از نوشته های تاریخی به دست می آید، هنر و صنعت از پنج هزار سال قبل از میلاد در ایران زمین ریشه و نشان دارد. و به همین علت است که تمامی گستره این مرز و بوم مانند کتاب زنده ای از تاریخ، معماری و هنر ایرانی - اسلامی را نشان می دهند. با مراجعه به منابع تاریخی کمتر مکانی را می یابیم که در آن معابد باستانی و اماکن زیارتی و مذهبی با ویژگی های خاص معماری ایرانی وجود نداشته باشد. نظری اجمالی به معماری ایران در عهد باستان بیانگر اصول شکل دهنده آن هم چون آسایش، استحکام، انبساط و غیره است. پاسارگاد، تخت سلیمان، ارگ بزم، میدان نقش جهان و ... همه و همه علاوه بر جلال و شکوه و شگفتی، گویای تاریخ و تمدن با شکوه ایران هستند. پس از ورود اسلام به سرزمین پهناور ایران، فرهنگ و هنر این پهنه با عوامل تازه ای ترکیب شد. اصول، آداب و رسوم، مراسم مذهبی، روحیه، اخلاقیات، اندیشه و عقیده نسلها و سایر ویژگیهای مردمی نه تنها در بناهای عظیم که در انبیه کوچک نیز نمود دارد و چنان با جوهره ی وجودی معماری ایرانی در آمیخته است که ردپای آن در تمامی آثار معماری گذشته قابل پی جویی است. یکی از مهمترین اصولی که در معماری سنتی ایران زمین بالاخص پس از اسلام مورد توجه قرار گرفته است، **اصل محرمیت** می باشد که به بهترین وجه در تمامی بناها از بناهای عظیم و بزرگ عمومی تا خانه های مسکونی و از فضاهای عمومی شهری تا فضاهای نیمه عمومی و خصوصی تر به کار گرفته شده است. می توان گفت اصل محرمیت در شهرسازی و معماری اسلامی از کلان ترین فضاهای شهری تا ریزترین فضاهای معماری را مورد تاثیر خویش قرار داده است. در این مقاله پس از تعریف و روشن شدن معنای واژه محرمیت به بررسی عوامل و شرایط شکل گیری آن در معماری سنتی ایران پرداخته و با نگاهی به آیات کتاب آسمانی، یعنی قرآن در این زمینه، به عنوان محکم ترین مرجع دریافت اصول، چگونگی کالبد یافتن آن در معماری سنتی ایران را بررسی می کنیم.

مفاهیم و اصول سنتی در معماری ایران

درک مفاهیم و شالوده سنتی در معماری ایران بدون شناخت و درک محیط فرهنگی و اجتماعی که این مفاهیم در آن رشد کرده و بدون آگاهی از دریافت های اساس فرهنگی که از قید زمان آزادند میسر نمی گردد و هرگونه برداشت و تأویلی که بی توجه به ریشه های این مفاهیم صورت بگیرد، لاجرم در حد سطح باقی می ماند. جوامع سنتی در یک فضای معنوی زندگی می کنند که هم از لحاظ کیفی و هم از لحاظ کمی جویای همگنی و تناسب کامل است. آفریده های معماری آن نیز؛ چون معماری از جهان بینی تام و کامل مایه می گیرد که نیروی خلاقه انسان را پدید آورده اند و آن را به سوی غایتی رهنمون می کند که جامعه را به صورت یک محل واحد در می آورد؛ در ورای این وحدت و پیوستگی یک شالوده انکارناپذیر را نمایان می کند که تفهیم آن برای درک سنت ایران ضروری است. در راستای تعریف سنت، سید حسین نصر چنین بیان می کند: «... سخن سنت، سخن از اصول تبدیل ناپذیری است با منشاء آسمانی و سخن از کاربردشان در مقاطع مختلفی از زمان و مکان در عین حال سخن از تداوم آموزه های خاص و صوری قدسی است که محملهایی هستند برای انتقال آموزه ها به انسان و به فعلیت در آمدن تعلیم سنت درون

تمدن اسلامی ارائه دهنده نمونه برجسته ای از یک تمدن سنتی است که بدون حضور بعضی اصول که بر آن مسلط بوده و تبدیل ناپذیرند، شکل نمی یابد. به روشنی پیداست که در واقع هنر اسلامی را نمی توان چیزی جز تفکر و تعمقی در عالم وحی قرآنی، عالم نفس و عالم ماده دانست. معماری سنتی ایران نیز در واقع تصویری از کیهان یا انسان است. در بعد کیهانی، کالبد انسان معبدي است که روح در آن سکنی گزیده است و کیهان عیناً چون انسان از همان روح جان می گیرد. در شهرسازی نیز همچون معماری چنین درکی مصداق دارد و دارای نظامی هماهنگ می باشد که تحت تاثیر همین تفکر دارای وحدانیتی است غیرقابل اجتناب. «اساس این نظام بر این عقیده است که سالم ترین شکل زندگی انسان در محیطی است که با خود او همساز باشد. بدینسان چنین انگاشته اند که شهر، وضعاً، با کالبد آدمی، که خود از سوی دیگر همتهای کیهان است برابری می جوید.» (اردلان، ۱۳۸۰) و با توجه به آنکه انسان و کیهان خود محصول هنر قدسی اند و وابسته به صفات الهی هستند، در واقع نوعی وحدانیت را به نمایش می گذارند که رو به سوی معبود دارد و در راه رسیدن به این خواست انسان موجب گردیده که علوم و فنون گسترده ای به وجود آید که سلسله مراتب غیرقابل اجتناب را پذیراست. «انسان هم چون کیهان، اصل الهی را باز می تاباند. پس خود انسان است که با کیهان انس و الفت دارد. او عالم صغیر است. هم چون عالم کبیر، بازتابنده حقیقتی ماورایی است.» (نصر، در/اردلان، ۱۳۸۰) لذا با درک این مسأله که هنر اسلامی منشأ آسمانی دارد، حیات ادراکات انسان شکل و جهت می گیرد و آگاهی او را از فضای کلی که مظهر خارجی جهان بزرگ آفرینش بوده و همانند جهان کوچک وجودی اوست شکل می بخشد و سعی بر آن دارد که در تک تک اجزاء کوچکی که در این جهان؛ که خود نیز جزئی از جهان بزرگ است؛ به وجود آورد، به گونه ای نمایشگر جلوه هایی از صفات الهی باشد و در واقع این تفکری است برای رسیدن. «هنر دینی اصلی آسمانی و ملکوتی دارد زیرا نمونه های هنر دینی جلوه حقایق لاهوتی است. و با تجدید و تکرار آفرینش یا صنع الهی به صورت مجمل در قالب تمثیلات نشان دهنده ذات رمزی و نمادی جهان است و بدینگونه روح انسان را از قید وابستگی به وقایع مادی خام و گذرا رهایی می بخشد» (بوکهارت، ۱۳۷۶) براین اساس است که در معماری سنتی ایران؛ اصولی توسط معمار هنرمند به کار گرفته شده اند که ریشه در نگرش او به جهان هستی دارند. «پرداختن به ریشه ها پرداختن به اصول می باشد. فهم یک اصل فهم معنای آن چیزی است که به تمام هنر و تمدن جامعه انسانی با یک فرهنگ و آداب و عقیده مشترک جهت می بخشد.» (معماریان، ۱۳۸۴) اصولی همانند اصل وحدت، اصل سلسله مراتب، اصل نظم، اصل تقارن، اصل مقیاس و تناسب، اصل تباین فضایی و تضاد، و اصل محریمیت به بهترین وجه با استفاده از ابزارهای معمارانه همانند ماده و مصالح، شکل، رنگ، نور، آب و ... در کالبد بناهای سنتی به چشم می خورند، که در بطن خود نشان از اصول هستی دارند. «معماری مقدس از آن رو زیباست که وابسته است به مرکزی ترین کانون وظایف بشری که همانا پیوند دادن و نزدیک ساختن آسمان و زمین است.» (بوکهارت، ۱۳۶۵)

اصل محریمیت

برای آرایه تعریفی از واژه محریمیت نخست به تعریف لغوی این واژه در فرهنگ نامه ها می پردازیم. واژه محریمیت از ریشه عربی (حرم) در لغت نامه دهخدا به شکل زیر تعبیر شده است:

محریمیت. [مَ رَ می ی] [ع مص جعلی، امص] محرم بودن. محرمی. رازداری. خویشی و در معنی محرم آمده است:

محرم. [مَر] (ع، ص، ا) ناشایست. حرام. کسی که اذن دخول در حرم و خانه شخصی را دارد. خویشاوند. خویش. آشنا. اهل سر و آنکه در نزد وی بتوان راز را به ودیعه گذاشت. معتمد. ندیم، مقرب. خودی. یگانه. رازدار. محرم شدن؛ رازدار شدن. معتمد کسی گشتن در حفظ اسرار. نامحرم؛ بیگانه. ناموافق و نامعتمد.

حریم؛ پناهگاه. خانه شخص و اطراف آن که از تعرض دیگران در پناه است.

در فرهنگ فارسی دکتر محمد معین، واژه محرمیت به معنای مَحْرَم بودن تعبیر شده است و در معنای مَحْرَم نیز آمده است:

۱- ناشایست. حرام. ۲- خویشاوندی نزدیک که نکاح او روا نباشد. ۳- زن. زوجه. ۴- خویش. خویشاوند. ۵- آشنا. ۶- واقف کار. ۷- مقرب. ندیم.

با توجه به آن چه بیان گشت، می توان عنوان داشت که مراد از محرمیت در فضای معماری و شهرسازی، کالبد دادن به فضا به گونه ای است که دارای حریم از دو جنبه کالبدی و معنایی باشد. حریم داشتن در حوزه کالبد فضایی بیشتر متمرکز بر اصولی است که امنیت فضا را شکل خواهند داد و در حیطه معنایی ویژگی هایی است که حرمت و ارزش را برای فضای معماری به ارمغان آورد به گونه ای که فرد در آن به آرامش برسد. در این زمینه و برای روشن تر شدن موضوع می توان به آیه ۸۰ از سوره مبارکه نحل اشاره کرد، در جایی که خداوند می فرماید: «... وجعل لکم من بیوتکم سکنا.» «خداوند از خانه هایتان جایی را برای آرامش شما قرار داد و از پوست چارپایان، خیمه هایی برای شما مقرر کرد تا در موقع استقرار و کوچ، سبک و قابل انتقال باشد و از پشم و کرک و موی آنها اثاث زندگی و مایه تجارت قرار داد تا در حیات دینی از آن استفاده کنید.» (مکارم شیرازی، ۱۳۶۱) اشاره آیه شریفه فوق به این مطلب که بخشی از خانه را محل آرامش معرفی کرده است، تاکید بر شکل گیری فضا و قلمروهای محرم در کالبد یک خانه مسکونی است که این مطلب با توجه به شرایط عملکردی سایر انبیه نیز قابل تعمیم است. در هر فضا و کالبدی که انسان سکونت گزیند، خواه ناخواه نیازمند شکل گیری عرصه هایی محرم، مصون، امن و آرام است. لذا با توجه به لغت شناسی ریشه [حَرَم] و آنچه عنوان گشت در واقع فضایی را می توان فضای محرم دانست که از نظر کالبدی برای استفاده کننده دارای حریم، مصونیت و امنیت بوده و کیفیات فضایی آن به گونه ای باشد که آرامش و آسایش فرد را تامین نماید. پرواضح است که امنیت داشتن بصری در این فضا تنها بخشی از ویژگی های آن است و مفهوم آسایش و آرامش دامنه بسیار بزرگتری را شامل می گردد. در واقع هنگامی که شخصی به عنوان محرم شخص دیگر قرار می گیرد جدا از آنکه از نقطه نظر شرع اصولی میان آنان حاکم می گردد، رابطه ای خاص توأم با اعتماد، اطمینان، آسایش و امنیت خاطر میانشان برقرار می گردد که حکایت از قرابت زیاد میان آنان دارد و یا هنگامی که انسان شخصی را به عنوان محرم خویش برمی گزیند او را امین، امانتدار، رازدار و در حقیقت خودی به شمار می آورد. می توان عنوان داشت محرمیت به همراه خود ایجاد کننده انس و الفت است. و چنین است که می توان ابراز داشت، فضای محرم نیز فضایی است که شرایط مادی و معنوی را برای استفاده کننده به منظور حصول محرمیت در تمامی ابعاد مختلفش فراهم آورد. محرمیت را می توان یکی از اصولی دانست که گرچه از گذشته های دور در معماری ایران زمین به چشم می خورده است و در دیگر فرهنگها نیز تا حدودی قابل دسترسی است ولیکن اوج شکوفایی آن را می بایست در معماری پس از اسلام دانست. در معماری اسلامی از «محرمیت و نداشتن دید روی بنای مجاور» به عنوان یکی از

معیارهای طراحی در ساخت شهرهای اسلامی نام برده می شود و اهمیت حریم خصوصی و استحقاق برخورداری از آن و احترام به آن مورد توجه قرار گرفته است (بسیم سلیم حکیم، ۱۳۸۱) در معماری و شهرسازی مغرب زمین این مفهوم البته از زاویه Privacy و Security به گونه ای کمرنگ تر و البته با منظوری دیگر مطرح است. مسأله محرمت بیشتر در قالب امنیت و حقوق خصوصی افراد قابل پی گیری است و به خصوص تا پیش از دوره مدرن و حتی در پاره ای از بناهای دوره مدرن با عملکرد گزایی خاص خود به چشم می خورد، ولیکن در معماری معاصر غرب و با ظهور سبکهای نو از جمله دیکانستراکشن و یا فولدینگ و غیره با حذف سلسله مراتب و با هدف شکل دهی سیالیت فضایی این مقوله تا حدود زیادی کمرنگ شده است. همانطور که عنوان شد در معماری ایران باستان نیز مسأله محرمت مطرح بوده است. بحث نداشتن ارتباط بصری مستقیم فضای درونی با فضای شهری از دو زاویه اقلیمی و فرهنگی قابل بررسی است. «بخش بزرگی از سرزمین ایران دارای آب و هوای گرم و خشک ب بارندگی کم همراه با طوفانهای شن و افتابی سوزان است. سازندگان بناهای این مناطق با شناخت این ویژگیهای محلی-جغرافیایی، خانه را طوری طراحی کرده اند که هر نوع ارتباط مستقیم با عوامل جغرافیایی یاد شده، قطع و محیطی امن برای اهل خانه فراهم گردد.» (معماریان، ۱۳۷۳) استفاده از حیاط به مفهوم خاص حیاط مرکزی در بسیاری از بناهای معماری ایران باستان قابل استناد است. در شهرسازی بحث حریم شهر و محله بندیها از اصول اساسی به شمار می رفته است. کهنه‌تر، شارستان و ررض، در میان بارو به عنوان حفاظت کننده در برابر تهاجمات، از ارکان شکل گیری شهرهای ایران باستان بوده اند، ولیکن به نظر می رسد مسأله درونگرایی و محرمت بیشتر متوجه امنیت و حریم بندی های سیاسی، اجتماعی و طبقاتی جامعه آن دوران و عوامل اقلیمی بوده است. با نفوذ جهان بینی اسلامی به ایران در قرن هفتم میلادی که اصول مبتنی بر برابری را ارائه می داد، تغییراتی در نظام کالبدی شهرهای ایران باستان صورت پذیرفت، به گونه ای که متحمل کمترین دگرگونی های عمده کالبدی - فضایی شوند. محله بندیها برپایه شغل، ریشه نژادی و یا زبان صورت پذیرفت و خانه های اقشار مختلف در کنار یکدیگر قرار گرفت و بازسازی ررض و یا به عبارتی روشن تر اهمیت بخشیدن به آن بخش از شهر که در آن افراد خارج از طبقه ممتاز می زیستند، یکی از مهم ترین این تغییرات بوده است. اهمیت یافتن و گسترش سریع ررض و مهجور شدن شارستان (شهر درونی)، حکایت از این تغییر جهان بینی دارد. باید عنوان داشت که شیوه ساخت بناهای درونگرا و با حیاط مرکزی در دوره اسلامی نیز ادامه یافت و تعدادی از اولین مساجد صدر اسلام به این شیوه ساخته شدند که می توان از مسجد جامع فخرج و مسجد تاریخانه دامغان نام برد. لذا جهان بینی جدید سبب شکل گیری اصولی نو در اندیشه های مردم ایران گردید که پیرو آن تغییراتی در کالبد معماری و شهرسازی صورت پذیرفت. نگاه نو به مسأله محرمت و کاربرد آن در معماری سنتی از این زمان به بعد شکل تازه ای گرفت و مسیر تکاملی خود را طی نمود به گونه ای که گیراترین مصادیق به کارگیری این اصل در معماری سنتی پس از اسلام نمایان است. در اینجا به بررسی آن دسته از ویژگی ها و اصولی از معماری سنتی ایران که در شکل دادن به مسأله محرمت در کالبد معماری گذشته دخیل و موثر بوده اند می پردازیم.

اصل سلسله مراتب

باید عنوان داشت اصل سلسله مراتب به عنوان یکی از اصول اساسی حاکم بر هستی بیشترین تاثیرات را در شکل گیری محرمت در کالبد معماری و شهرسازی سنتی ایران دارا می باشد. سلسله مراتب یکی از اصول حاکم بر مجموعه ها و اجزاء پدیده

هایی است که یا به طور طبیعی در جهان هستی به عنوان یکی کل وجود دارند و یا توسط انسان طراحی و ایجاد می شوند و با توجه به آنکه اصولاً هستی موجودات در کائنات تابع سلسله مراتبی متقن و تعریف شده است، لذا نقش غیرقابل انکار آن در تعریف اجزاء کل یک مجموعه و هویت بخشی به آنها قابل ذکر است. در بخشهای مختلف مرتبط با فرهنگ اسلامی همانند بسیاری از مکاتب به ویژه آن دسته که سه قلمرو عمده مادی (جسمانی)، روانی (نفسانی) و معنوی (روحانی) برای زندگی انسان قائل هستند، اصل سلسله مراتب از اهمیت خاصی برخوردار است. در جهان بینی اسلامی و به خصوص در عرفان اسلامی طی مدارج و منازل گوناگون در یک سلسله مراتب خاص شناخته می گردد و هر منزل و هر فضا و هر حریمی با ویژگی های خاص خود به عده ای خاص تعلق دارد که تا تحصیل شایستگی ها و بایستگی های لازم امکان وصول به آن و هم چنین عبور از آن برای رسیدن به منزل بالاتر میسر نیست. (نقی زاده، ۱۳۷۹) لذا باید عنوان داشت که در جهان بینی اسلامی، در عالم وجود، هر شیء ای مکان و مقامی خاص را برای خویش دارا است که ارزش و موقعیت این مکان و مقام با توجه به ویژگی های مراتب وجود مشخص می شود. محیط مصنوع نیز از این قانون تبعیت نموده و اجزاء آن با توجه به ارزش و مقام فعالیت که درون آن انجام می شود و کسانی که در آن وجود دارند و ارتباطشان با سایر اجزاء همجوار هر یک مقام و موقعیت خاصی را دارا می باشند، که این ویژگی های خاص به خصوصیات کالبدی و نمادین فضاهای متوالی و مجاور مربوط می شود. در شکل گیری یک بنای معماری نیز اصل سلسله مراتب است که سبب شکل دهی به قلمروهای فضایی با کارکردهای متفاوت می گردد و حریم بندیهای فضایی را شکل میدهد. آنگاه که عناصر یک بنا را به قلمروهای متفاوت با کالبد و عملکرد قابل تمیز از یکدیگر تقسیم کنیم، اصولاً انتقال و گذر از قلمروی به قلمرو دیگر به صورت آبی و بدون ایجاد شرایط لازم اعم از روانی و فیزیکی نامطلوب است و می توان عنوان داشت عدم رضایت حریمها و تداخل نامناسب قلمروها و یا استخدام ویژگی های مشابه و یکسان کالبدی و فضایی برای دو قلمرو با عملکرد متفاوت از مطلوبیت کیفی فضا می کاهد و اینجاست که نقش پررنگ سلسله مراتب در حریم بندی و ایجاد فضای رابط میان دو قلمرو پررنگ تر می گردد. کاربرد اصل سلسله مراتب در معماری سنتی ما، در حوزه های مختلف در معماری همانند سلسله مراتب فضایی و در شهرسازی همانند سلسله مراتب عملکردی عبوری محله ای و منطقه ای سبب شکل گیری چنان ساختارهای کالبدی فضایی گشته است که مهم ترین ثمره آن محرمیت و شکل گیری حریم های فضایی و تفکیک قلمروهای متفاوت با وجود پیوستگی فضایی است که اردلان از آن تحت عنوان «سلسله مراتب هم بندی های فضایی» نام می برد. (اردلان، ۱۳۸۰) «در این راستا دو نوع نظام فضایی اولیه و ثانویه معرفی می گردد. نمود نظام فضایی اولیه در اندام های شهری با راسته بازار شکل می گیرد و مسجد و مدرسه و قصر و دیگر فضا ها و یا دروازه های اصلی به راسته اصلی بازار وصل می شوند. نظام فضایی ثانویه از نظام فضایی اولیه شاخه می گیرد و کوچه ها، دکان ها، مدارس، مساجد، کاروانسراها و حتی بعضی از خانه ها به راسته اصلی وصل می شوند.» (معماریان، ۱۳۸۴) برای توصیف نحوه اتصال از الگوی همبندی فضاها استفاده می شود. «همبندی یک فضا به فضای دیگر ناگزیر از الگوی بنیادی اتصال، انتقال و وصول پیروی می کند.» حاصل کار یک معماری درونگراست. جدایی ناپذیر از بافت شهر، معماری ای حاکی از این که عمل خلاقه به احجام درون فضا کمتر کار دارد تا به خود فضا. درست همچنان که روح تعیین بخش عالمی ست که نفس در آن سیر می کند. انسان مقیم نیز شکل هایی می آفریند که فضاهایی را در میان می گیرند که نفس گوهرین انسان می تواند درونشان دم زند.» (اردلان، ۱۳۸۰) نکته بسیار مهم در ارتباط با سلسله مراتب در شهرسازی سنتی، پیوستگی فضایی است.

با وجود آنکه سلسله مراتب در ذات خود نشان از تفکیک و مرز بندی دارد، « در این نوع شهرسازی گذر از فضای بسته به فضای بسته ای دیگر پی در پی تکرار شده است، بی آنکه هرگز این پیوستگی قطع شود، یعنی هیچ گاه فرد نیاز به خارج شدن از محیط موجود و معین ندارد. فقط یک سلسله گذرگاه ماهرانه تدارک می شود و مورد استفاده قرار می گیرد. زیرا ساختمان در تار و پودی پیوسته و مترکم ترکیب شده است.» (استیرن، ۱۳۷۷) در ساختار فضایی معماری ابنیه نیز می توان سلسله مراتب نظام فضایی را در مقیاسی کمتر بررسی کرد. قرارگیری سلسله مراتب وار جلو خان و پیش ورودی، ورودی، هشتی، دالان و راهرو و حیاط و سپس سایر فضاهای عملکردی در پیوند با حیاط، الگویی کم و بیش مشابه در تمامی ابنیه سنتی می باشد. نکته حایز اهمیت در این است که به کارگیری اصل سلسله مراتب در نظام های فضایی شهری و معماری با تفکیک کردن حریم های عمومی از خصوصی و ایجاد مرتبه بندی در دسترسها نقش پررنگی در تقویت محرمت در ساختار فضایی داشته است. می توان گفت محرمت یکی از مهم ترین تجلیات کالبدی رعایت سلسله مراتب در عمارات و شهرهای دوره اسلامی می باشد و با بهره گیری از این اصول است که شاهد شکل گیری ارزشهایی پایدار هم چون امنیت، آرامش، خلوت و محرمت در ابنیه سنتی می باشیم.

درونگرایی

یکی دیگر از اصولی که در شکل گیری محرمت در ابنیه سنتی ما آشکارا تأثیر گذار بوده است مسئله درونگرایی است. شاید بتوان درونگرایی را بارزترین مشخصه رعایت سلسله مراتب دانست و یا آن را ثمره محرمت قلمداد کرد. درونگرایی مفهومی است که به صورت یک اصل در معماری ایران وجود داشته است و با حضوری آشکار به صورتهای متنوع قابل درک و مشاهده است. باید یکی از ویژگی های غیرقابل انکار آثار معماری و ابنیه گذشته همانند خانه، مسجد، مدرسه، کاروانسرا، حمام و غیره را خصوصیت درون گرایانه آنان دانست، که ریشه عمیق در مبانی و اصول اندیشه ای اجتماعی و فرهنگی این سرزمین دارد. استیرن در توصیف ساختار شهر ایرانی به مفهوم «همیشه در درون چیزی بودن» می پردازد و اشاره به مفاهیم روانی و احساس نیاز انسان به سر پناهی در همه جا حتی در مقیاس شهری دارد. (معماریان، ۱۳۸۴) با یک ارزیابی ساده می توان دریافت که در فرهنگ معماری ایرانی ارزش واقعی به جوهر و هسته باطنی آن داده شده است و پوسته ظاهری صرفاً پوششی مجازی است که از حقیقتی محافظت می کند و فضای درونی و سر بسته آن تعیین کننده جوهر و هستی راستین بنا است که قابل قیاس با وجوهات فضای بیرونی نیست. « در سرتاسر معماری سنتی، اشکال چیزی بیش از تمهیدات صنعتی صرف هستند. هر چند همیشه عملکردی معمارانه دارند اما در فراسوی عملکردشان که نظمی مادی دارد، واجد عملکردی دیگر با اهمیتی فزونتر هستند که همانا یادآور اصول معنوی به انسان از جنبه نمادینشان است، اصولی که یک ساختمان یا باغ یا چشم انداز سنتی در سطح واقعیت خود باز می دهد و در عین حال با حالات درونی خود انسان هم خوانی دارد. در معماری سنتی مانند همه هنرهای سنتی هیچ چیز هرگز از معنی منفک نیست و معنی هم چیزی جز معنویت نمی باشد.» (نصر، در/ردلان، ۱۳۸۰) لذا درونگرایی در جستجوی حفظ حریم محیطی است که در آن شرایط کالبدی با پشتوانه تفکر، تعمق و عبادت به منظور رسیدن به اصل خویش و یافتن طمأنینه خاطر و آرامش اصیل در درون، به نظمی موزون و متعالی رسیده است.

باید خاطر نشان کرد که ایرانیان از دوران باستان با توجه به طرز تلقی خویش از خانه و خانواده به نوعی معماری درونگرا گرایش نشان داده اند. اصولاً در شکل گیری فضاهای مختلف و به خصوص فضاهای مسکونی، مسائل اعتقادی و خاص ایرانیان

تأثیرگذار بوده است. یکی از آن خصوصیت احترام به زندگی خصوصی و حرمت قائل شدن برای آن است. دیگر خصوصیت عزت نفس ایرانیان است که به نحوی در شکل فضاهای یک خانه درونگرا تأثیر گذار بوده است. (پیرنیا، ۱۳۸۱) در این زمینه استاد پیرنیا در کتاب معماری اسلامی ایران عنوان می‌دارد: (پیرنیا، ۱۳۷۱) «در بیرون از ایران معماری بیرون گراست. در باختر زمین کوشک‌هایی را می‌بینیم که چون قفسی گشاده میان انبوهی از درختان نهاده است و از درون آن می‌توان بیرون را نگرست یا در خاورزمین خانه‌هایی است که پیرامون خود آفتابگردان و سرسایه ای چون مردگرد دارد و مانند کوشک‌های باخترزمین به بیرون می‌نگرد. اما در ایران در میان خانه باغچه و استخری می‌ساخته‌اند و اتاقها و تالارها را چون آغوشی بسته گرداگرد آن می‌چیده‌اند. در بارو و دیوار بیرونی ساختمان، پنجره و روزن و رخنه‌ای نبود تا بتوان از درون بیرون را دید و نمای بیرونی با طاقما و کرو درگاه و کنگره آرایش می‌شد و تنها درگاه یا سردری داشت که درآیگاه ساختمان به شمار می‌آمد. اما کاخ‌های تخت جمشید و شوش و کوشک‌های روزگار ساسانیان گواهی می‌دهد که ایرانی همیشه درونگرا بوده و می‌خواستند که چون شب در خانه با خانگیان خود دور از نگاه بیگانه آرام بیاساید.» باید متذکر شد رعایت اصل درونگرایی در ایران پس از اسلام با به وجود آمدن جهان بینی جدید و شکل‌گیری ارزش‌هایی هم چون محرمیت رنگی دوباره به خود گرفت و جدا از مسائل امنیتی، اصول ارزشی تازه را به بهترین وجه بیانگر شد که اوج شکوفایی آن را می‌توان در تکامل انبیه با حیاط مرکزی دانست، گر چه که «بناهای حیاط دار در ایران قدمتی در حدود هشت هزار سال دارند و بناهای مختلف و به طور اخص خانه تا رسیدن به شکل حیاط مرکزی کامل، زمانی در حدود شش هزار سال را طی کرده‌اند.» (معماریان، ۱۳۷۳) و در هر دوره تاریخی حیاط کاربردهای متفاوتی داشته است. در انبیه با حیاط مرکزی ارتباط داخل و خارج از طریق یک سری فضاهای واسطه همانند هشتی و دالان و راهرو برقرار می‌گشت و در این الگو از مسکن، قلمروهای زندگی خانوادگی و عمومی به شیوه‌ای زیبا و خوانا از یکدیگر تفکیک گردید. علاوه بر خانه‌های مسکونی در بناهای عمومی نظیر مساجد، مدارس، کاروانسراها و ... نیز می‌توان این درونگرایی، که نتیجه آن حفظ محرمیت است، را نیز به وضوح مشاهده کرد. وجود بن بست‌ها و دیوارهای بلند پیرامون باغها و عماراتی که به صورت کوشک در آغوش باغ و فضای باز محصور بین دیوارها استقرار می‌یافتند، نیز تأکید دیگری بر این مساله است و بدین گونه است که با رعایت این اصول ارزشی شاهد تعریف قلمروهای مشخص خصوصی، نیمه خصوصی، نیمه عمومی و عمومی با حریم‌های قابل تعریف و خوانا در شهرسازی و معماری سنتی ایران زمین هستیم و پاسخ‌گویی مناسب به این ارزشها تأثیرات عمده بر خلق عناصر واسطه، فرم‌های معماری، محل استقرار و اندازه بازشوها، محل استقرار ورودی به انبیه، دست‌انداز بامها و جایگیری فضاهای مختلف زیستی در یک بنا گذارده است.

پیوند معماری با طبیعت

نکته حائز اهمیت در پیوند میان معماری سنتی ایران و طبیعت رعایت اصل محرمیت است. بناها همواره به گونه‌ای شکل گرفته‌اند که در ترکیب با طبیعت و استفاده از عناصر آن، محیط طبیعی را به درون خود کشیده و همانند حجابی آن را در میان خود گرفته‌اند و این وجه تمایز معماری سنتی ایران با دیگر ممالک است. در معماری ارگانیک غرب که نگاه ویژه‌ای به طبیعت دارد و فرم و فضای معماری در بسیاری از موارد از ویژگی‌های توپوگرافیکی زمین تبعیت می‌کند، معماری به گونه‌ای شاخص در طبیعت رها می‌گردد تا با آن پیوند برقرار کند و می‌توان گفت که خود را در اختیار طبیعت قرار می‌دهد. حال آنکه در معماری سنتی ایران

اصل پیوند با طبیعت در گرو اصول ارزشی مهم تری است که ریشه در جهان بینی معمار و اجتماع دارد و به همین سبب است که در بسیاری موارد چه در بناهای عمومی و چه در بناهای خصوصی، فضاهای طبیعی در دل فضای مصنوع جای گرفته است. «باغ و حیاط، مکمل فلات گرم و کم آب ایران، اهمیت خود را در عصر اسلام در حد صوری تصویری از فردوس حفظ می کنند. هشت بهشت صفوی نه تنها در نقشه سراسری اش بلکه در همان طرح کوشک مرکزی اش، بی اغراق آفریننده بهشتی پویاست.» (اردلان، ۱۳۸۰) و به عقیده بسیاری از جمله استیرلن سرچشمه وجود نمادین اندامهای کالبدی معماری ایران در عالم مثال یا عالم ملکوت و یا بهشت موعود دیده می شود و در معماری باغها و حیاطها و پیوند با طبیعت، الگو برداری از عناصر باغهای بهشتی مد نظر معمار بوده است. حتی در طراحی و ساخت باغهای ایرانی شاهد دیواره های بلند در اطراف هستیم که شکل دهنده فضای محرم درون اند و در دل این فضای درونی است که عمارات و کوشکها به گونه ای بازتر شکل گرفته اند، چرا که حصار بیرونی حریم امن درونی را فراهم آورده است. لذا باید عنوان کنیم در شکل گیری معماری سنتی ما اصول ارزشی مقدم بر سایر اصول، معیارها و راهکارها قرار گرفته اند و معمار همواره در پی یافتن پاسخ های مناسب و خلاقانه در به کارگیری اصول بوده است.

نگاهی به اصل محریمیت با توجه به آیات و روایات

حال با توجه به آنچه در باب اصول ارزشی و چگونگی به کارگیری آنان در معماری سنتی ایران سخن به میان آمد، آیات قرآن کریم و احادیث ائمه معصومین که بالاترین مرجع دریافت اصول در فقه اسلامی به شمار می روند را در باب مسأله محریمیت مورد بررسی قرار می دهیم، تا راهکارهای ارائه شده در حیطه معماری را شناسایی نماییم. چون که همانگونه که عنوان شد جهان بینی و اندیشه معمار مسلمان ایرانی است که سرلوحه تمامی امور او قرار گرفته است و برای خلق آثار خود، تمامی قواعد عملکردی، سازه ای، اقلیمی و غیره را از دریچه اصول اعتقادی خود گذرانده است. همانگونه که مشخص است کتاب خدا، سنت ائمه، عقل و اجماع مراجع شناخت و تبیین تمامی اصول و احکام زندگانی و رستگاری بشریت به شمار می آیند و می توان عنوان کرد وظیفه هر فرد مسلمانی است تا با مراجعه به این مبانی اصول ارزشی حاکم بر تخصص خویش را بازشناسد، همانگونه که معمار سنتی ایرانی نیز چنین کرده است. رهنمودها و اصول بنیادی در رابطه با فرایند ساخت و چهارچوب آن از جوهر و روح اسلام نشأت گرفته است و تکامل آنان از سال نخست هجرت و زمانی که پیامبر (ص) در مدینه سکنی گزیدند آغاز گشت و با گذشت زمان، تکامل و رشد رهنمودها در انطباق کامل با رشد فقه اسلامی شکل گرفته است. گسترش اسلام، فعالیت ذهنی شدید و دانش انبوهی را بالاخص در رابطه با هدایت و راهنمایی در عرصه زندگی مطابق اصول و ضوابط دینی فراهم آورد. قرآن کریم جدای از مواد و اصول اساسی (محکومات)، هم چنین ابزاری را مشخص نموده که برخی از مواد آن می بایست تفسیر و تکمیل گردد. بالاخص فرمان مکرر اطاعت از خدا و پیامبر، اعمال و کردار پیامبر را به عنوان منبع قانون بلافاصله پس از کلام خدا قرار می دهد. لذا شناخت سنن (گفتار و کردار نبوی و ائمه معصومین) به عنوان منبع الهی که مکمل قرآن به شمار می رود بسیار حائز اهمیت است.

پیروان مسأله محریمیت و حفظ حریم می توان به آیات ۲۷ و ۳۱ و ۶۱ سوره مبارکه نور و هم چنین آیه ۲۳ از سوره مبارکه نساء اشاره نمود و هم چنین است آیه ۸۰ از سوره مبارکه نحل که قبلاً به آن اشاره گشت. در این آیات به مفهوم عینی به نحوه لباس پوشیدن، قلمرو خصوصی خانه و مضافاً خصوصی بودن مکالمات اشاره گشته است. به مورد احترام قرار دادن حریم دیگران و عدم تجاوز به آن حتی به واسطه دید مستقیم تاکید شده است و قرآن کریم الگوهای متفاوت رفتاری را در رابطه با

رعایت حریم دیگران نظیر شیوه ی اعلان حضور، برای ساکنان خانه و دیگران را تشریح می نماید. (بسیم سلیم حکیم، ۱۳۸۱) آیات ۲۷ - ۲۸ - ۲۹ سوره مبارکه نور مطالبی را در باب چگونگی وارد شدن به خانه و نحوه اذن ورود گرفتن و بخشی از آداب معاشرت بیان می کنند و در شرح آیات فوق در تفسیر نمونه نکاتی مورد تاکید قرار گرفته است: (مکارم شیرازی، ۱۳۶۱) **نخست آنکه مخاطب جامعه اسلامی است.** (یا *أیها الذین آمنوا...*) در این آیات دستورهای اجتماعی اسلام که ارتباط نزدیکی با مسائل مربوط به **حفظ عفت عمومی** دارد، بیان شده است و پس از آن تاکید بر اجازه ورود خواستن در هنگام وارد شدن به خانه است. فضای ورودی به عنوان فضایی که مکان دسترسی به بنا را از مکان مسیر حرکت عمومی یعنی کوی و معبر متمایز کند، در بسیاری از بناهای عمومی و بناهای مسکونی بزرگتر، به چشم می خورد و به صورت فضای رابط میان معبر و دهلیز ورودی خودنمایی می کند. این فضا علاوه بر کارکرد ارتباطی، فضایی برای توقف، انتظار و گفتگو نیز بوده است. در بعضی موارد، در دو سمت آن سکوهایی برای نشستن تعبیه شده و از آن برای استقبال یا بدرقه میهمانان نیز استفاده می شده است. در بسیاری از بناهای گذشته از جمله منازل مسکونی و بناهای عمومی که از حرمت و قداست برخوردار بودند، فضای ورودی به گونه ای تعبیه می شد که مردم مستقیماً و یکباره وارد بنا نمی شدند. بلکه پس از ورود به هشتی و مشاهده بخش محدودی از فضای داخلی بنا از طریق روزن باز یا مشبک تعبیه شده در یکی از دیوارها یا بدنه هشتی به یکی از دالانهای واقع در طرفین هشتی وارد شده و پس از آن به حیاط و سایر فضاهای درونی بنا داخل می شدند. در واحدهای مسکونی غالباً فضای ورودی به گونه ای طراحی و ساخته می شد که از داخل آن و حتی از درون هشتی امکان مشاهده فضاهای داخلی وجود نداشت. زیرا که حریم خصوصی افراد خانواده بود و نمی بایست در معرض دید افراد غریبه قرار گیرد. در برخی از خانه ها نیز حیاط اندرون، در جداگانه ای داشت و هم چنین گاهی در فاصله حیاط و دالان، در جداگانه ای تعبیه می شد. (سلطان زاده، ۱۳۷۶) اهمیت حریمیت و حفظ حرمت موجب شده بود که برای مردان و زنان، دو کوبه جداگانه و با شکلهای معین بر روی لنگه های در نصب گردد. کوبه ای که صدای بم داشت مختص مردان بود و کوبه ای که صدای زیر داشت مختص زنان. این تمایز سبب می شد که ساکنان خانه و به ویژه کسی که برای بازکردن در می رفت از صدای کوبه جنس مراجعه کننده را تشخیص داده و برای روبرو شدن با او آمادگی نسبی پیدا کند. نکته قابل ذکر دیگر در آیات فوق بحث **امنیت و آزادی** در محیط خانه است. بی شک وجود انسان دارای دو بعد است، بعد فردی و بعد اجتماعی و لذا دارای دو نوع زندگی خصوصی و عمومی با ویژگی ها و آداب و مقررات مخصوص به خود می باشد. قیود ویژه و شرایطی که انسان در محیط اجتماعی ملزم به رعایت آنان است، در محیط خصوصی او برداشته می شوند و به نوعی آزادی در حریم خصوصی خود دست می یابد. دین اسلام نیز دستورات بسیار مؤکدی در این باب داشته است و احادیث فراوانی از پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) نقل شده است که به ریزترین نکات حتی در مورد چگونگی در زدن، چگونگی اجازه گرفتن و نحوه داخل شدن در آنها اشاره شده است و معمار مسلمان ایرانی نیز به بهترین وجه در کالبد دادن به این نکات کوشیده است.

شکل گیری اندرونی ها و بیرونی ها، درونگرایی و مرکزگرایی همه نشأت گرفته از اصول جهان بینی مردم ایران زمین بوده است. شاهدیم که حفظ حریمیت و سلسله مراتب در فضاهای خصوصی و کاملاً خصوصی نیز به چشم می خورد. تفکیک فضاهای خصوصی کودکان از والدین و از یکدیگر، برگرفته از تعالیم عالیه اسلامی بوده است که حتی برای ورود کودکان به فضای مخصوص پدر و مادر نیز کسب اجازه را لازم دانسته است. شاخصه های معماری سنتی ایران که به بهترین وجه ممکن در شکل

دادن به حریم های عمومی، نیمه عمومی، نیمه خصوصی و خصوصی، رعایت اصول سلسله مراتب و محرمت دخیل بوده اند، به تفصیل در ابتدای سخن عنوان گشت. آیات ۳۰ و ۳۱ سوره مبارکه نور به بحث محارم و شناخت آنان و اهمیت حفظ نگاه و رعایت محرمت می پردازد. شناخت محارم از آن جهت حائز اهمیت است که لازمه ی طراحی مناسب همراه با رعایت اصول و قواعد ارزشی است. بدون شناخت لازم، امکان طراحی فضاهای مناسب میسر نمی گردد و شاخصه های محرمت به دست نمی آید. واضح است که در درون یک خانواده نیز ممکن است که بعضی به بعضی دیگر نامحرم باشند. شناخت دقیق روابط محرمت است که سبب طراحی و ساخت فضاهایی مناسب استفاده کنندگان می گردد و وظیفه یک معمار مسلمان است تا با طراحی آگاهانه، زمینه ساز شکل گیری اصول جهان بینی اسلامی در کالبد فضاهای مصنوع بشری گردد. آیات ۵۹ و ۶۰ سوره مبارکه نور به آداب ورود و اذن خواستن به منزل اختصاصی پدر و مادر پرداخته و در آیه ۶۱ استثنائاتی برای کسانی که می توانند در شرایط معین بدون اجازه وارد منزل خویشاوندان و مانند آن شود و حتی بدون استیذان غذا بخورند، قائل می شود و در حقیقت در این آیات نیز از چگونگی نحوه ورود به حریم دیگران و آداب آن سخن به میان آمده است. با شناخت این اصول و قواعد است که می توان طراحی مناسب با آن را شکل داد. اینکه اسلام از اذن خواستن کودکان نابالغ برای ورود به جایگاه پدر و مادر سخن به میان می آورد، نشان از اختصاص فضاهای جداگانه برای کودکان و والدین حتی در زیر سن بلوغ است و یا آنجا که در آیات ۲۳ و ۲۴ سوره مبارکه اسراء، در مورد محارم سخن به میان می آید و آداب رفتاری و گفتاری در مورد افرادی که در یک منزل با یکدیگر سکونت میکنند بیان می دارد در حقیقت ارائه رهنمودهایی است که می بایست در طراحی فضاهای درونی خانه مورد توجه جدی قرار گیرند. محرمت در فضاهای اختصاصی تمامی افراد ساکن یک خانه می بایست لحاظ گردد. و یا هنگامی که آداب سخن گفتن با والدین مطرح می گردد و اینکه خداوند می فرماید وظیفه فرزندان است که کمترین اهانتی به پدران و مادرشان هنگامی که به پیری می رسند نکنند، این امر نشان از آن دارد که حتی در اختصاص فضای سکونت به والدین نیز می بایست این حرمت رعایت گردد و فضای مسکونی فرزندان و یا حتی بنای مجزای آنان می بایست نسبت به فضای سکونت والدین فروتنی و تواضع داشته باشد. لذا مشخص است که تمامی دستورات، آداب و قواعدی که در دین مبین اسلام مطرح گردیده است، جدا از ثمرات اخلاقی آنان ارائه راهکارهایی است برای تمامی افراد جامعه از تمامی تخصصها، تا با غور و اندیشه در آنان راه حل هایی مناسب با پیشه خود برای زندگی بهتر و سعادتمندتر دریابند. در واقع در بسیاری از موارد فضاها و کالبد معماری سنتی ما بدان گونه بوده است که نه تنها شکل گیری شان براساس اصول جهان بینی اسلامی بوده است که ریشه در اندیشه معمار آن داشته است، بلکه زمینه را نیز به گونه ای فراهم آورده اند تا فرد استفاده کننده از فضا نیز هرچه بیشتر ملزم به رعایت آداب و قواعد و بهره مندی هرچه بیشتر از این اصول همیشه ثابت هستی گردد.

نتیجه گیری

محرمت یکی از اصول اساسی حاکم بر هستی و پدیده های آن است که تأثیرات آن در ساختار کالبدی- فضایی معماری سنتی ایران غیر قابل کتمان است. معماری به عنوان کالبد اندیشه همواره ابزاری برای بروز تفکر، نگرش و اندیشه های هر

قوم و ملتی بوده است. رد پای اصول و جهان بینی حاکم بر فرهنگ این سرزمین به بهترین وجه در معماری سنتی ایران زمین به چشم می خورد و همانگونه که بیان گشت معماری گذشته ما در برگرنده اصولی تبدیل ناپذیر است با منشأ آسمانی که در دل سنتها نمود یافته اند. «این اصول تا زمانی که تمدن نشأت گرفته از آن قومی که این سنت حکم اصل رهنمون را برایشان دارد پدیدارند و بقا و دوام خواهند داشت و حتی هنگامی که بقای ظاهری اش متوقف می شود به تمامی تسلیم مرگ نخواهد شد. در این حال، سایه زمینی اش ناپدید می شود و خود سنت در واقعیت ذاتی و روحانی اش به مبدأ آسمانی خود باز می گردد.» (اردلان، ۱۳۸۰)

محرمیت یکی از این اصول سنتی است که به گونه ای بس شاخص و هنرمندانه در معماری پس از اسلام ایران زمین کالبد یافته است. در کنار محرمیت اصولی همانند وحدت که باید آنرا جهت بخش تمامی هنر و تمدن اسلامی دانست، نظم، سلسله مراتب، تقارن و تناسب و غیره نیز در کالبد بناهای سنتی قابل پی جویی است و از آنجا که دارای ریشه های مشترک بوده و رو به یک حقیقت ازلی دارند، وجود هر کدام شکل دهنده و مکمل دیگری است. سلسله مراتب به نظام مندی حریم های خصوصی و عمومی و نهایتاً حفظ محرمیت منجر می شود و به کارگیری تناسب و نظم و هندسه، وحدت را شکل می دهد و این نشانی است از سرچشمه و ریشه های یکسان اصول سنتی. به نظر می رسد شناخت درست آن چه در گذشته کرده ایم و بازشناسی اصول و قواعد و معیارهای معماری سنتی مان و کالبد دادن به آنان به زبان حال، راه را برای رسیدن به آنچه مقصود است، هموار سازد و وظیفه یکایک معماران است تا با مراجعه به منابع اصیل و مصادیق ارزشمند در این راه گام بردارند. اصول محرمیت، سلسله مراتب، هماهنگی و تناسب، پیوند با طبیعت، هندسه و غیره همه از آن دسته اند که امروزه حقیقتاً مهجور مانده اند و به یقین شناخت و به کارگیری ایشان راهگشا خواهد بود. آن جا که صحبت از سردرگمی و بی هویتی معماری امروز ایران است، شاید بتوان بزرگترین معضل آن را علاوه بر غرب گرایی، بی برنامهگی، فقدان اندیشه های قوی و عدم فهم درست معماری معاصر، در گسست از معماری گذشته دانست. آن جایی که اصول، ارزشها و راهکارهای ارایه شده بر پایه تفکرات و اعتقادات فرهنگی مان را به کنار نهاده و روی به تقلیدی کور کورانه آورده ایم.

منابع:

- ۱- "قرآن کریم".
- ۲- اردلان نادر، بختیار لاله، (۱۳۸۰)، "حس وحدت، سنت عرفانی در معماری ایرانی"، ترجمه حمید شاهرخ، اصفهان، نشر خاک.
- ۳- استیرلن، هانری، (۱۳۷۷)، "اصفهان تصویر بهشت"، تهران، نشر فروزان روز.
- ۴- بوركهارت، تیتوس، (۱۳۷۶)، "مدخلی بر اصول و روش هنر دینی"، ترجمه جلال ستاری، در مبانی هنر معنوی، تهران، دفتر مطالعات دینی هنر، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
- ۵- بوركهارت، تیتوس، (۱۳۶۵)، "هنر اسلامی، زبان و بیان"، تهران، انتشارات سروش.
- ۶- پیر نیا، محمد کریم، (۱۳۷۹)، "آشنایی با معماری اسلامی ایران"، تهران، انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران.
- ۷- پیر نیا، محمد کریم، (۱۳۸۱)، "سبک شناسی معماری، تهران"، نشر معمار.
- ۸- حکیم، بسیم سلیم، (۱۳۸۱)، "شهرهای عربی- اسلامی، اصول شهرسازی و ساختمانی"، ترجمه محمد حسین ملک احمدی و عارف اقوامی مقدم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۹- "دهخدا"، علی اکبر، لغت نامه
- ۱۰- سلطانزاده، حسین، (۱۳۷۶)، "فضاهای ورودی در معماری سنتی ایران"، تهران، دفتر پژوهشهای فرهنگی.
- ۱۱- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۶۱)، "تفسیر نمونه"، جلد سوم و چهارم، انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
- ۱۲- معین، محمد، (۱۳۷۱)، "فرهنگ فارسی"، جلد سوم، چاپ هشتم، تهران، نشر سپهر.
- ۱۳- معاریان، غلام حسین، (۱۳۷۳)، "آشنایی با معماری مسکونی ایران"، گونه شناسی درونگرا، تهران، انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران.
- ۱۴- معاریان، غلام حسین، (۱۳۸۴)، "سیری در مبانی نظری معماری"، تهران، انتشارات سروش دانش.
- ۱۵- نصر، سید حسین، (۱۳۷۹)، "انسان طبیعت"، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۱۶- نفی زاده، محمد، (۱۳۷۹)، "حکمت سلسله مراتب در معماری و شهر سازی"، مجموعه مقالات دومین کنگره تاریخ معماری و شهر سازی.